**درس خارج فقه استاد سید محمد جواد شبیری**

جلسه64 – **14/ 1/ 1397 آیه 234 سوره بقره /آیات عدّه در قرآن /کتاب العدد**

برخی آیاتی که خواندیم مربوط به عده نبود و به تناسب بحث‌هایی مربوط به عده داشت که آن بحث‌ها را مطرح کردیم اما آیه بعدی که مربوط به عده است آیه 234 سوره بقره است: ﴿وَ الَّذینَ یُتَوَفَّوْنَ مِنْکُمْ وَ یَذَرُونَ أَزْواجاً یَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَ عَشْراً فَإِذا بَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَلا جُناحَ عَلَیْکُمْ فیما فَعَلْنَ فی‏ أَنْفُسِهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَ اللَّهُ بِما تَعْمَلُونَ خَبیرٌ﴾.[[1]](#footnote-1) این آیه در مورد عده وفات است. ﴿وَ الَّذینَ یُتَوَفَّوْنَ مِنْکُمْ وَ یَذَرُونَ أَزْواجاً﴾ توفّی متعدی است و خدا متوفِّی است و بنده که از دنیا می‌رود متوفَّی است. کسانی از شما که از دنیا می‌روند و زوج‌هایی از خود بر جای می‌گذارند، یذرون یعنی یترکون ﴿یَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَ عَشْراً﴾ آن ازواج باید چهار ماه و ده روز عده نگه دارند.

**تعبیر بأنفسهن**

این‌جا بحثی ادبی هست که در آیه قبلی مطرح نکردم و به نظرم رسید که این‌جا مطرح کنم. در آیه قبلی آمده بود: ﴿وَ الْمُطَلَّقاتُ یَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ ثَلاثَةَ قُرُوءٍ﴾[[2]](#footnote-2) درباره این‌که بانفسهنّ چیست و چرا به این شکل وارد شده است، بحثی در کتب تفسیری وارد شده است و بحث جدی آن در کشّاف وارد شده و بعد از آن کتاب‌های دیگر غالباً حرف کشّاف را تکرار یا دنبال کرده‌اند.

**بیان کشاف**

در کشاف آمده که در دو آیه قبل چنین است: ﴿لِلَّذینَ یُؤْلُونَ مِنْ نِسائِهِمْ تَرَبُّصُ أَرْبَعَةِ أَشْهُرٍ﴾[[3]](#footnote-3) و کلمه انفس وجود ندارد ولی این‌جا یتربّصن بانفسهنّ مطرح شده است. علت ذکر بانفسهنّ این است: فإن قلت: هلا قیل: یتربصن ثلاثة قروء، کما قیل‏ تربص أربعة أشهر؟ و ما معنی ذکر الأنفس؟ قلت: فی ذکر الأنفس تهییج لهن علی التربص و زیادة بعث، لأن فیه ما یستنکفن منه فیحملهن علی أن یتربصن، و ذلک أن أنفس النساء طوامح إلی الرجال، فأمرن أن یقمعن أنفسهن و یغلبنها علی الطموح و یجبرنها علی التربص.[[4]](#footnote-4)

**تأیید کلام کشاف در تفاسیر دیگر**

در تفسیر فخر رازی جلد 6 صفحه 75 و تفسیر بیضاوی این مطلب تکرار شده است. در کتاب‌های بعدی و معاصر کشّاف و متقدّم بر کشّاف هم عبارت‌هایی هست که ظاهراً ناظر به همین معنا است. در

الوسیط که قبل از کشّاف است می‌گوید: أی ینتظرن و یحبسن أنفسهنّ عن التّزوّج.[[5]](#footnote-5) در مجمع البیان هم ذیل آیه آمده است: أی ینتظرن انقضاء العدة و یحبسن أنفسهن عن التزویج معتدات.[[6]](#footnote-6) در التحریر و التنویر ابن عاشور هم این تعبیر هست: و زید بانفسهنّ تعریضا بهنّ باظهار حالهنّ فی مظهر المستعجلات الرامیات بانفسهنّ إلی التزوّج فلذلک امرن ان یتربّصن بانفسهنّ ای یمسکنهنّ و لا یرسلنهنّ الی الرجال قال فی الکشاف.[[7]](#footnote-7) بعد عبارت کشاف را می‌آورد و برخی بحث‌های ادبی هم ذیلش دارد که الآن به آن کار ندارم.

گویا از کلمه بانفسهنّ که این‌جا اضافه شده این معنا استفاده می‌شود که زن‌ها تمایل به ازدواج دارند و می‌فرماید شما باید در این مدت تمایل خودتان را کنترل کنید و به طرف ازدواج نروید. این‌که چگونه از این کلمه این مطلب استفاده می‌شود و از لحاظ ادبی بانفسهنّ چه نقشی دارد که این معنا را برساند، در کشّاف توضیحی نداده است ولی در کلمات بعضی از مفسّران توضیح عبارت کشّاف آمده است. شاید روشن‌تر از همه عبارت تفسیر ابی السعود است که می‌گوید: بانفسهنّ الباء للتعدیة أی یقمعنها و یحملنها علی ما لا تشتهیه بل یشق علیها من التربص.[[8]](#footnote-8) در حاشیه شیخ زاده بر بیضاوی قدری روشن‌تر بیان شده است: الباء فی بِأَنْفُسِهِنَّ للتعدیة و المعنی: یحملن أنفسهن علی التربص و یجعلنها متربصة.[[9]](#footnote-9) گاهی شخص به خودی خود انتظار می‌کشد و صبر می‌کند و گاهی ما مجبورش می‌کنیم که صبر کند. یتربّصن بانفسهنّ یعنی آن انفس را متربّص و منتظر قرار می‌دهد و گویا نمی‌خواهد منتظر شود و ما اجبارش می‌کنیم و او را متربّص قرار می‌دهیم. این بای تعدیه است مثل کلمه ذهب که یعنی رفت و ذهب به یعنی برد. روی این معنا خیلی راحت می‌شود تفسیر کرد.

**بیان بحر المحیط**

ابو حیّان اندلسی در کتاب بحر المحیط جور دیگری عبارت کشّاف را توضیح داده و اصلاً باء را هم باء

تعدیه نگرفته و دو معنای دیگر برای آن بیان کرده است. ایشان می‌گوید: ظاهر الباء مع تربص أنها للسبب أی من أجل أنفسهن... و یجوز هنا أن تکون زائدة للتوکید و المعنی یتربصن أنفسهن توضیحاتی دارد که این‌جا برای چه تأکید کرده است، بعد می‌گوید: و فائدة التأکید هنا: أنهنّ یباشرن التربص، و زوال احتمال أن غیرهنّ تباشر ذلک بهنّ. مثل این‌که خودتان مأمور هستید که این کار را انجام دهید. بل هنّ أنفسهنّ هنّ المأمورات بالتربص، إذ ذاک أدعی لوقوع الفعل منهنّ فاحتیج إلی ذلک التأکید لما فی طباعهنّ من الطموح إلی الرجال و التزویج، فمتی أکد الکلام دل علی شدة المطلوبة.[[10]](#footnote-10) ابن هشام بحث‌هایی کرده که باء می‌تواند زائده باشد یا نمی‌تواند و در کتاب‌های ادبی آمده که نمی‌خواهم وارد آن شوم.

**کلام جصاص**

جصّاص مطلبی دارد که نمی‌دانم برای چه آورده است ولی از آن نکته‌ای به دست آورده‌اند که کل بحث‌هایی که در کشّاف و بعدی‌ها دنبال شده دور از واقعیت است. مطلب این است که تربّص به معنی انتظار کشیدن است. زمانی که انسان در مورد کسی یا چیزی انتظار می‌کشد، آن کس یا چیز مورد انتظار را با باء متعدّی می‌کنند و مفعول بنفسه است که در کتاب‌های لغوی هم به این مطلب اشاره شده است. من بعضی از آیات قرآن که کلمه تربّص در آن‌ها به کار رفته را می‌خوانم تا مطلب روشن‌تر شود. گاهی همین جوری می‌گویم من منتظرم و هیچ تعیین نمی‌کنم که منتظر چه هستم و اصلاً مفعولش تعیین نشده است. در بعضی از آیات قرآن برای کلمه تربّص مفعول تعیین نشده و اصل انتظار بیان شده است. گاهی متعلّق انتظار به صورت مفعول به و مفعول بدون حرف جرّ و گاهی با باء آمده است.

**تربص در آیات قرآن**

در سوره توبه چنین است: ﴿قُلْ هَلْ تَرَبَّصُونَ بِنا إِلاَّ إِحْدَی الْحُسْنَیَیْنِ وَ نَحْنُ نَتَرَبَّصُ بِکُمْ أَنْ یُصیبَکُمُ اللَّهُ بِعَذابٍ مِنْ عِنْدِهِ أَوْ بِأَیْدینا فَتَرَبَّصُوا إِنَّا مَعَکُمْ مُتَرَبِّصُونَ﴾[[11]](#footnote-11) در مورد کسانی است که از رفتن به جنگ خودداری می‌کنند و می‌فرماید شما انتظار دارید که یا ما به شهادت برسیم که امر اخروی است یا به پیروزی برسیم ولی انتظاری که ما درباره شما داریم این است که خداوند به دلیل این‌که از رفتن به

جنگ خودداری کردید عذابی را نازل کند. بحث این است که ما منتظر حادثه‌ای هستیم که قرار است اتفاق بیفتد و مورد حادثه را با باء متعدّی می‌کنند.

لسان العرب در ماده ربص این طور دارد: التَّرَبُّصُ: الانْتِظارُ. رَبَصَ بالشی‏ء رَبْصاً و تَرَبَّصَ به: انتظر به خیراً أَو شرّاً.[[12]](#footnote-12) تربّص به یعنی منتظر آن است و چیزی که انتظار به آن تعلّق می‌گیرد ممکن است خوب باشد یا بد. بعد آیات قرآنی را ذیلش می‌آورد.

در آیه 98 سوره توبه هم این تعبیر هست: ﴿وَ مِنَ الْأَعْرابِ مَنْ یَتَّخِذُ ما یُنْفِقُ مَغْرَماً وَ یَتَرَبَّصُ بِکُمُ الدَّوائِرَ﴾[[13]](#footnote-13) منتظر هستند که حادثه‌های ناگوار متوجه شما شود.

آیه 30 سوره طور چنین است: ﴿أَمْ یَقُولُونَ شاعِرٌ نَتَرَبَّصُ بِهِ رَیْبَ الْمَنُونِ﴾[[14]](#footnote-14) می‌گویند - نعوذ بالله - پیغمبر شاعری است که ما منتظر مرگش هستیم. ظاهراً ریب المنون به معنی مرگ است یعنی حادثه مرگ متوجه او شود. بنابراین حادثه‌ای است که انسان انتظارش را می‌کشد و مفعول به است. موردی که قرار است حادثه در آن مورد پیش بیاید با باء متعدی می‌شود.

گاهی مفعول به را حذف می‌کنند ولی مقدّر است ﴿الَّذینَ یَتَرَبَّصُونَ بِکُمْ فَإِنْ کانَ لَکُمْ فَتْحٌ مِنَ اللَّهِ قالُوا أَ لَمْ نَکُنْ مَعَکُمْ﴾[[15]](#footnote-15) کسانی که یتربصون بکم یعنی منتظر هستند که پیشامدی در مورد شما رخ دهد. اگر آن پیشامد فتح باشد خودشان را نخود آش می‌کنند و می‌گویند ما با شماییم. این‌ها وسط ایستاده‌اند که اگر خواستند به هر طرف بروند سریع بتوانند جاخالی بدهند و می‌بینند شرایط چگونه پیش می‌آید و متناسب با آن شرایط، مسیری را که مناسب تشخیص می‌دهند دنبال می‌کنند.

در سوره مؤمنون هم این طور است: ﴿إِنْ هُوَ إِلاَّ رَجُلٌ بِهِ جِنَّةٌ فَتَرَبَّصُوا بِهِ حَتَّی حینٍ﴾[[16]](#footnote-16) پیغمبر - نعوذ بالله - شخص دیوانه‌ای است و دیوانه به زودی طوری می‌شود و از بین می‌رود و رفتاری می‌کند که از دستش راحت می‌شویم. خیلی نگرانش نباشید، قدری صبر کنید که پیش‌بینی‌ای که در مورد آدم‌های دیوانه هست که خودشان بلایی به سر خود می‌آورند واقع شود.

آیه شریفه 228 می‌فرماید که زن‌ها باید منتظر بمانند که سه ماه منقضی شود. اولاً من از عبارت کشّاف این جور استفاده می‌کنم که کلمه انفس را به معنای مقابل جسم قرار داده است. نفس دو معنا دارد، یک معنا در مقابل جسم و به معنای روان و باطن انسان است ﴿قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَکَّاها وَ قَدْ خابَ مَنْ دَسَّاها﴾[[17]](#footnote-17) و

معنای دیگر نفس، خود در مقابل غیر است. مثلاً می‌گویم جئت زیداً بنفسی خودم به نزد زید رفتم نه این‌که با روحم رفتم. من بانفسهنّ در آیه شریفه را به معنای خود می‌فهمم ولی از عبارت کشّاف به نظر می‌رسد که انفس را به معنای روح گرفته است، یعنی می‌گوید آن روح سرکشی که دنبال ازدواج است را مهار کن، افسار تمایلات روحت را به دست خودت قرار بده. عبارت کشّاف را بار دیگر می‌خوانم: و ذلک أن أنفس النساء طوامح إلی الرجال. انفس یعنی باطن و روان آن‌ها فأمرن أن یقمعن أنفسهن و یغلبنها علی الطموح. یعنی به تمایلات نفسانی‌اش لگام بزند. در عبارت مجمع البیان یحبسن انفسهن عن التزوج هم تصور می‌کنم که مراد از انفس خود نیست که خودشان را حبس کنند بلکه یعنی روحشان و تمایلات روحی‌ای را که به ازدواج دارند سرکوب کنند. اما ظاهراً آیه شریفه می‌فرماید در مورد خودشان باید صبر کنند زیرا گاهی صبر در مورد دیگران است و گاهی صبر در مورد خودشان است. یعنی صبر کنند این چهار ماه بگذرد و در مورد خودشان تصمیم خواهند گرفت که ازدواج کنند یا نه.

نمی‌دانم عبارت احکام القرآن جصاص ناظر به همین بحثی است که عرض کردم یا ناظر به بحثی دیگر است و به هر حال من از عبارت جصاص این مطلب را به دست آوردم، بعد به لغت و آیات قرآن هم مراجعه کردم و دیدم که اصلاً ربطی به بحث‌های این‌ها ندارد. جصاص می‌گوید: و التربص بالشی‏ء الانتظار به قال اللّه تعالی فَتَرَبَّصُوا بِهِ حَتَّی حِینٍ و قال تعالی وَ مِنَ الْأَعْرابِ مَنْ یَتَّخِذُ ما یُنْفِقُ مَغْرَماً وَ یَتَرَبَّصُ بِکُمُ الدَّوائِرَ یعنی ینتظر و قال تعالی أَمْ یَقُولُونَ شاعِرٌ نَتَرَبَّصُ بِهِ رَیْبَ الْمَنُونِ فأمرها اللّه تعالی بأن یتربصن بأنفسهن هذه المدة عن الأزواج بعد نکته قشنگی دارد، می‌گوید ادامه آیه را ببینید، دوباره کلمه انفس را به کار برده است ألا تری أنه عقبه بقوله تعالی فَإِذا بَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَلا جُناحَ عَلَیْکُمْ فِیما فَعَلْنَ فِی أَنْفُسِهِنَّ.[[18]](#footnote-18) بعد از آن دیگر اشکالی ندارد که چیزی را که در مورد خودشان می‌خواهند انجام دهند. تا آن موقع باید رفتارهایشان کنترل شده باشد و بعد از آن اگر ضوابط شرعی رعایت شده باشد آزادند.[[19]](#footnote-19)

**رد کلام کشاف**

اصل شبهه‌ای که کشّاف مطرح می‌کند ضعیف است. مقایسه این آیه با آیه ایلاء اشتباه است. در آیه ایلاء ﴿لِلَّذینَ یُؤْلُونَ مِنْ نِسائِهِمْ تَرَبُّصُ أَرْبَعَةِ أَشْهُرٍ﴾ چه کسی منتظر است؟ شوهر منتظر است یا دیگران؟

به نظر می‌رسد که دیگران منتظر هستند. یعنی کسی که ایلاء کرده حاکم شرع منتظر است و چهار ماه به او وقت می‌دهد که تصمیم بگیرد و اگر تصمیم نگرفت بعد از آن اجبار هست. یعنی چهار ماه هیچ گونه فشاری متوجه این‌ها نیست و این تربّص به نفع این‌هاست. انتظار چهار ماهه دیگران به سود مؤلی است و مؤلی می‌تواند این طرف یا آن طرف را اختیار کند. آن اصلا ربطی به این آیه ندارد. متربّص این‌جا خود زن‌ها هستند. یعنی کسی که تربّص دارد می‌کند در واقع دست از اقدام برمی‌دارد در حالی که در دوره ایلاء می‌تواند اقدام کند و دیگران اقدام نمی‌کنند. این دو را باید از هم تفکیک کرد. متربّص مؤلی نیست بلکه جامعه و حاکم شرع است. در بعضی از کتاب‌های تفسیری برای این‌که فرق بین مؤلی و زنی که در عده است را نشان دهند بحث کرده‌اند که آیا مرد هم به زن علاقه دارد، اما این حرف‌ها اصلاً نیست. بحث این است که زن در دوره عده باید از برخی کارها خودداری کند. درباره این‌که آن کارها چیست، صحبت می کنیم که آیا ازدواج، آرایش کردن یا بیرون رفتن از خانه است. در مورد عده طلاق زن نمی‌تواند از خانه شوهر بدون اجازه شوهر خارج شود و نمی‌تواند ازدواج کند ولی در عده وفات نمی‌تواند حداد کند. خود این آیه به روشنی تعیین نمی‌کند که در این مدت باید از چه چیزی امساک کنند و برای تعیین این مطلب باید به سنت مراجعه کرد.

بحث‌های مهمی وجود دارد در مورد این‌که آیا این آیه نسبت به حامله هم اطلاق دارد؟ چون در مورد حامله می‌فرماید اجلش وضع حمل است. آیا در مورد حامله چهار ماه و ده روز است یا وضع حمل یا ابعد الاجلین؟ بحث دیگر اقتضای خود این آیات است یعنی اگر روایاتی نبود و ما بودیم و این چند آیه، قاعده چه اقتضا می‌کرد؟ البته بحث‌های دیگری هست که این آیه چقدر اطلاق دارد و آیا عبد، امه، مدخوله و غیر مدخوله را شامل می‌شود که بحث جدی ندارد. بحث دیگر این است که رابطه این آیه با بعضی از آیات دیگر که مقداری با این آیه تنافی دارند مثلاً آیه‌ای که عده یک ساله را تعیین کرده است، چگونه است؟

**و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین**

1. سوره بقره، آيه 234. ﴿وَ الَّذينَ يُتَوَفَّوْنَ مِنْكُمْ وَ يَذَرُونَ أَزْواجاً يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَ عَشْراً فَإِذا بَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَلا جُناحَ عَلَيْكُمْ فيما فَعَلْنَ في‏ أَنْفُسِهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَ اللَّهُ بِما تَعْمَلُونَ خَبيرٌ﴾ [↑](#footnote-ref-1)
2. سوره بقره، آيه 228. ﴿وَ الْمُطَلَّقاتُ يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ ثَلاثَةَ قُرُوءٍ وَ لا يَحِلُّ لَهُنَّ أَنْ يَكْتُمْنَ ما خَلَقَ اللَّهُ في‏ أَرْحامِهِنَّ إِنْ كُنَّ يُؤْمِنَّ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ بُعُولَتُهُنَّ أَحَقُّ بِرَدِّهِنَّ في‏ ذلِكَ إِنْ أَرادُوا إِصْلاحاً وَ لَهُنَّ مِثْلُ الَّذي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَ لِلرِّجالِ عَلَيْهِنَّ دَرَجَةٌ وَ اللَّهُ عَزيزٌ حَكيمٌ﴾ [↑](#footnote-ref-2)
3. سوره بقره، آيه 226. ﴿لِلَّذينَ يُؤْلُونَ مِنْ نِسائِهِمْ تَرَبُّصُ أَرْبَعَةِ أَشْهُرٍ فَإِنْ فاؤُ فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحيمٌ﴾ [↑](#footnote-ref-3)
4. تفسیر کشاف، محمود بن عمر زمخشری، ج1، ص270. فإن قلت: هلا قيل: يتربصن ثلاثة قروء، كما قيل‏ تربص أربعة أشهر؟ و ما معنى ذكر الأنفس؟ قلت: في ذكر الأنفس تهييج لهن على التربص و زيادة بعث، لأن فيه ما يستنكفن منه فيحملهن على أن يتربصن، و ذلك أن أنفس النساء طوامح إلى الرجال، فأمرن أن يقمعن أنفسهن و يغلبنها على الطموح و يجبرنها على التربص. [↑](#footnote-ref-4)
5. الوسيط في تفسير القرآن المجيد، علی بن احمد واحدی، ج1، ص339. و قوله: أَزْواجاً أى: نساء يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ أى: ينتظرن و يحبسن أنفسهنّ عن التّزوّج أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَ عَشْراً و معنى الآية: بيان عدّة المتوفّى عنها زوجها، و أنها تعتدّ من حين وفاة الزّوج أربعة أشهر و عشرا. و ذكرت العشر بلفظ التأنيث و المراد بها الأيّام: تغليبا للّيالى على الأيّام؛ و ذلك أنّ ابتداء الشّهر يكون بالليل. [↑](#footnote-ref-5)
6. مجمع البیان، الشیخ الطبرسی، ج2، ص590. لما بين عدة المطلقات بين عدة الوفاة فقال «وَ الَّذِينَ يُتَوَفَّوْنَ» منكم أي يقبضون و يموتون «وَ يَذَرُونَ» أي يتركون «أَزْواجاً» أي نساء «يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ» أي ينتظرن انقضاء العدة و يحبسن أنفسهن عن التزويج معتدات. [↑](#footnote-ref-6)
7. تفسیر التحریر و التنویر، محمد طاهر ابن عاشور، ج2، ص370. و يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ أي يتلبثن و ينتظرن مرور ثلاثة قروء، و زيد بِأَنْفُسِهِنَ‏ تعريضا بهن، بإظهار حالهن في مظهر المستعجلات، الراميات بأنفسهن إلى التزوج، فلذلك أمرن أن يتربصن بأنفسهن، أي يمسكنهن و لا يرسلنهن إلى الرجال‏. قال في «الكشاف»: «ففي ذكر الأنفس تهييج لهن على التربص و زيادة بعث؛ لأن فيه ما يستنكفن منه فيحملهن على أن يتربصن». [↑](#footnote-ref-7)
8. تفسیر ابی السعود، ابو السعود، ج1، ص225. (بِأَنْفُسِهِنَّ) الباء للتعدية أى يقمعنها و يحملنها على ما لا تشتهيه بل يشق عليها من التربص و فيه مزيد حث لهن على ذلك لما فيه من الإنباء عن الاتصاف بما يستنكفن منه من كون نفوسهن طوامح إلى الرجال فيحملهن ذلك على الإقدام على الإتيان بما أمرن به‏ [↑](#footnote-ref-8)
9. حاشيه محيى الدين شيخ زاده على تفسير القاضى البيضاوى‏، محمد بن مصطفى‏ شیخ زاده، ج2، ص546. قال في الثاني: يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ بزيادة لفظ الأنفس. و الجواب أن في ذكر الأنفس تهييجا لهن على التربص و زيادة حيث لأنهن مائلات إلى الرجال، فلما سمعن هذا استنكفن منه فحملتهن الغيرة على أن يغلبن أنفسهن على الطموح و يجبرنها على التربص. فإن الباء في بِأَنْفُسِهِنَّ للتعدية و المعنى: يحملن أنفسهن على التربص و يجعلنها متربصة. [↑](#footnote-ref-9)
10. البحر المحيط فى التفسير، محمد بن يوسف ابو حیان، ج2، ص454. بأنفسهن، متعلق: بتربص، و ظاهر الباء مع تربص أنها للسبب، أي: من أجل أنفسهن، و لا بد أن ذلك من ذكر الأنفس، لأنه لو قيل في الكلام: يتربص بهن لم يجز، لأنه فيه تعدية الفعل الرافع لضمير الاسم المتصل إلى الضمير المجرور، نحو: هند تمر بها، و هو غير جائز، و يجوز هنا أن تكون زائدة للتوكيد، و المعنى: يتربصن أنفسهن، كما تقول: جاء زيد بنفسه، و جاء زيد بعينه، أي: نفسه و عينه، لا يقال: إن التوكيد هنا لا يجوز، لأنه من باب توكيد الضمير المرفوع المتصل، و هو النون التي هي ضمير الإناث في: تربصن، و هو يشترط فيه أن يؤكد بضمير منفصل، و كان يكون التركيب: يتربصن هن بأنفسهن، لأن هذا التوكيد، لما جرّ بالباء، خرج عن التبعية، و فقدت فيه العلة التي لأجلها امتنع أن يؤكد الضمير المرفوع المتصل، حتى يؤكد بمنفصل، إذا أريد التوكيد للنفس و العين، و نظير جواز هذا: أحسن بزيد و أجمل، التقدير: و أجمل به، فحذف و إن كان فاعلا، هذا مذهب البصريين، و لأنه لما جرّ بالباء خرج في الصورة عن الفاعل، و صار كالفضلة، فجاز حذفه: هذا على أن الأخفش ذكر في المسائل جواز: قاموا أنفسهم، من غير توكيد، و فائدة التأكيد هنا: أنهنّ يباشرن التربص، و زوال احتمال أن غيرهنّ تباشر ذلك بهنّ، بل هنّ أنفسهنّ هنّ المأمورات بالتربص، إذ ذاك أدعى لوقوع الفعل منهنّ، فاحتيج إلى ذلك التأكيد لما في طباعهنّ من الطموح إلى الرجال و التزويج، فمتى أكد الكلام دل على شدة المطلوبة. [↑](#footnote-ref-10)
11. سوره توبه، آيه 52. ﴿قُلْ هَلْ تَرَبَّصُونَ بِنا إِلاَّ إِحْدَى الْحُسْنَيَيْنِ وَ نَحْنُ نَتَرَبَّصُ بِكُمْ أَنْ يُصيبَكُمُ اللَّهُ بِعَذابٍ مِنْ عِنْدِهِ أَوْ بِأَيْدينا فَتَرَبَّصُوا إِنَّا مَعَكُمْ مُتَرَبِّصُونَ﴾ [↑](#footnote-ref-11)
12. لسان العرب، محمد بن مکرم ابن منظور، ج7، ص39. التَّرَبُّصُ: الانْتِظارُ. رَبَصَ بالشي‏ء رَبْصاً و تَرَبَّصَ به: انتظر به خيراً أَو شرّاً، و تَربّصَ به الشي‏ء: كذلك. الليث: التَّرَبُّصُ بالشي‏ء أَن تَنْتَظِرَ به يوماً ما، و الفعل تَرَبَّصْت به، و في التنزيل العزيز: هَلْ تَرَبَّصُونَ بِنا إِلَّا إِحْدَى الْحُسْنَيَيْنِ‏؛ أَي إِلا الظَّفَرَ و إِلّا الشَّهادةَ، و نحن نتَربّصُ بكم أَحَدَ الشرّين: عذاباً من اللّه أَو قَتْلًا بأَيْدِينا، فبين ما نَنْتَظِرُه و تَنْتَظِرونه فَرْقٌ كبير. [↑](#footnote-ref-12)
13. سوره توبه، آيه 98. ﴿وَ مِنَ الْأَعْرابِ مَنْ يَتَّخِذُ ما يُنْفِقُ مَغْرَماً وَ يَتَرَبَّصُ بِكُمُ الدَّوائِرَ عَلَيْهِمْ دائِرَةُ السَّوْءِ وَ اللَّهُ سَميعٌ عَليمٌ﴾ [↑](#footnote-ref-13)
14. سوره طور، آيه 30. ﴿أَمْ يَقُولُونَ شاعِرٌ نَتَرَبَّصُ بِهِ رَيْبَ الْمَنُونِ﴾ [↑](#footnote-ref-14)
15. سوره نساء، آيه 141. ﴿الَّذينَ يَتَرَبَّصُونَ بِكُمْ فَإِنْ كانَ لَكُمْ فَتْحٌ مِنَ اللَّهِ قالُوا أَ لَمْ نَكُنْ مَعَكُمْ وَ إِنْ كانَ لِلْكافِرينَ نَصيبٌ قالُوا أَ لَمْ نَسْتَحْوِذْ عَلَيْكُمْ وَ نَمْنَعْكُمْ مِنَ الْمُؤْمِنينَ فَاللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ يَوْمَ الْقِيامَةِ وَ لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكافِرينَ عَلَى الْمُؤْمِنينَ سَبيلاً﴾ [↑](#footnote-ref-15)
16. سوره مؤمنون، آيه 25. ﴿إِنْ هُوَ إِلاَّ رَجُلٌ بِهِ جِنَّةٌ فَتَرَبَّصُوا بِهِ حَتَّى حينٍ﴾ [↑](#footnote-ref-16)
17. سوره شمس، آيه 7 تا 10. ﴿وَ نَفْسٍ وَ ما سَوَّاها. فَأَلْهَمَها فُجُورَها وَ تَقْواها. قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاها. وَ قَدْ خابَ مَنْ دَسَّاها﴾ [↑](#footnote-ref-17)
18. احکام القرآن، احمد بن علی جصاص، ج2، ص118. و التربص بالشي‏ء الانتظار به قال اللّه تعالى فَتَرَبَّصُوا بِهِ حَتَّى حِينٍ و قال تعالى وَ مِنَ الْأَعْرابِ مَنْ يَتَّخِذُ ما يُنْفِقُ مَغْرَماً وَ يَتَرَبَّصُ بِكُمُ الدَّوائِرَ يعنى ينتظر و قال تعالى أَمْ يَقُولُونَ شاعِرٌ نَتَرَبَّصُ بِهِ رَيْبَ الْمَنُونِ فأمرها اللّه تعالى بأن يتربصن بأنفسهن هذه المدة عن الأزواج ألا ترى أنه عقبه بقوله تعالى فَإِذا بَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَلا جُناحَ عَلَيْكُمْ فِيما فَعَلْنَ فِي أَنْفُسِهِنَّ و قد كانت عدة المتوفى عنها زوجها سنة بقوله تعالى وَ الَّذِينَ يُتَوَفَّوْنَ مِنْكُمْ وَ يَذَرُونَ أَزْواجاً وَصِيَّةً لِأَزْواجِهِمْ مَتاعاً إِلَى الْحَوْلِ غَيْرَ إِخْراجٍ فتضمنت هذه الآية أحكاما منها توقيت العدة سنة و منها أن نفقتها و سكناها كانت في تركة زوجها ما دامت معتدة بقوله تعالى وَصِيَّةً لِأَزْواجِهِمْ مَتاعاً إِلَى الْحَوْلِ و منها أنها كانت ممنوعة من الخروج في هذه السنة فنسخ منها من المدة ما زاد على أربعة أشهر و عشرا و نسخ أيضا وجوب نفقتها و سكناها في التركة بالميراث لقوله تعالى أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَ عَشْراً من غير إيجاب نفقة و لا سكنى و لم يثبت نسخ الإخراج فالمنع من الخروج في العدة الثانية قائم إذ لم يثبت نسخه و قد حدثنا جعفر بن محمد الواسطي قال حدثنا جعفر بن محمد بن اليمان قال حدثنا أبو عبيد قال حدثنا حجاج عن ابن جريج و عثمان بن عطاء عن عطاء الخرسانى عن ابن عباس في هذه الآية يعنى قوله تعالى وَصِيَّةً لِأَزْواجِهِمْ مَتاعاً إِلَى الْحَوْلِ غَيْرَ إِخْراجٍ قال كان للمتوفى عنها زوجها نفقتها و سكناها سنة فنسختها آية المواريث فجعل لهن الربع أو الثمن مما ترك [↑](#footnote-ref-18)
19. پاسخ سؤال: نه مفعول به است. اصلاً تربّص خودش مفعول به میگیرد. در خود کلمات اینها هستند که میگویند انقضاء ثلاثة قروء. منتظر بمانید که این سه ماه سپری شود. [↑](#footnote-ref-19)